

## شهيد اصغر پوربابايي



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

|             |                 |
|-------------|-----------------|
| نام پدر     | الله کرم        |
| تاریخ تولد  | ۱۳۴۷/۰۶/۰۵      |
| محل تولد    | بوشهر - دشتستان |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۴/۰۲/۰۸      |
| محل شهادت   | اروندکنار       |
| مسئولیت     | رزمنده          |
| نوع عضویت   | بسیج            |
| شغل         | دانش آموز       |
| تحصیلات     | دوره راهنمایی   |
| مدفن        | بrazجان         |

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید اصغر پور بابایی تنها فرزند خانواده در سال ۱۳۴۷ در خانواده ای مذهبی در شهرستان بوشهر پا به عرصه حیات نهاد و از همان اوان کودکی از نوازش پدرانه محروم گردید و سرپرستی وی را مادرش به عهده گرفت. شهید پوربابایی چون در خانواده ای فقیر نشو و نما می کرد برای امرار معاش خانواده مجبور بود به کار پردازد و از دوران کودکی با کار کردن خو گرفت و برای امرار معاش به اتفاق مادرش به برازجان عزیمت نمود تا به سن هفت سالگی رسید و به مدرسه خضر جهت فراگرفتن دانش پا نهاد و پس از گذارندن تحصیل ابتدایی وارد مدرسه راهنمایی شهید چمران گردید و همزمان با تحصیل کار میکرد تا معاش خانواده را تامین نماید شهید پدربابایی از همان اوان کودکی مقید به انجام فرائض دینی بود. پس از فرمان امام مبنی بر تشکیل بسیج با عشقی که به امام داشت فرمان امام را لیبیک گفته در بسیج مستضعفین مرکزی ثبت نام کرد و فعالیت خود را شروع نمود. و تمامی وقت خود را در بسیج به سر می برد. و همواره مشکلات را با چهره ای خندان و گشاده پذیرا بود و همین خصلت خاص ایشان بود که همه مردم و همرزمانش او را دوست داشتند و شهید پوربابایی علاقه عجیبی به امام و جبهه داشت و همین علاقه بود که وی را دوبار به جبهه کشاند یکبار به مدت سه ماه در جبهه کردستان با اجانب و جیره خواران بیگانه در مبارزه بود و در همین جبهه بود که به علت اصابت موج خمپاره مدتی بیمار بود و پس از بهبودی مجددا قصد داشت به جبهه برود که بعلت بیماری اش از حرکت وی جلوگیری می شد ولی بیماری وی خانواده چیزی نبود که در اراده وی تاثیر بگذارد چه او عاشق اسلام بود و در تاریخ ۲۰/۱۲/۶۳ مجددا به جبهه آبادان روانه گرد و مدت دو سه ماه در جبهه بود تا اینکه در تاریخ ۸/۲/۶۴ به وسیله اصابت گلوله به جمجمه اش به آرزوی قلبی خود رسیده و به سوی خدا پرکشید و دین خود را به اسلام ادا نمود چه راهی که اصغر در آن پانهاده بود راهی است که کربلا شروع و با خون شجره طیبه خاندان رسالت حضرت ابا عبدالمعین (ع) شکوفا شده و بای تحویل به صاحب اصلیش آقا امام زمان (عج) باید با خون آبیاری گردد. شهادت اصغرها و شهادتهاست که اسلام عزیز را پاسداری و به انقلاب آقا امام زمان متصل خواهد ساخت به امید آن روز.

روحش شاد باد.

## وصیت نامه

با سلام و درود حضور عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و با سلام گرم حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هزاران درود نثار شهیدان از کربلای حسینی گرفته تا کربلای ایران و با سلامی بی پایان نثار رزمندگان اسلام وصیت خود را شروع می نمایم.

بار خدایا این جهان برایم تنگ شده، دوستان من نزد تو آمده اند، چرا من نیایم. این جبهه اسلامی که از امدادهای غیبی است چرا برای مسلمین ایران بوجود آمده است؟ برای اینکه نزدیک به ۲۵۰۰ سال یا بیشتر شاهان، مفسدان، بیگانگانی بر ما مسلط داشته و آنقدر بر ما گناه بار شده که اصلاً نمی توانستیم از جا بلند بشویم. خداوند چون ما را دوست داشت این جنگ را بوجود آورد و ما توانستیم گناهان را دور ریخته و ثواب جمع نماییم. ای ملت دلیر بشتابید بسوی جبهه نور علیه ظلمت. و حال سخنی دارم با پدر و مادر عزیزم باری مادر جان از رفتن من هیچ غصه نخور بلکه شادمانی نما که پسر ت را در راه خدا داده ای نه در راه دشمنی با خدا. مادر جان می دانم که از موقعی که تو به من شیر داده ای من نتوانستم کاری برایت انجام دهم (بتو خدمتی بکنم) اما خداوند در برابر کارهای که تو انجام داده ای اجرت بدهد. باری مادر جان اگر توانستی عصرهای پنجشنبه بر سر قبر من بیا و سوره ای از قرآن بخوان و به برادران بسیجی ام بگویند که همیشه بیایند بالای سر من باری مادر جان به برادرهایم و خواهرهایم سلام برسان و سلامتی آنها را از خداوند می طلبم و اگر من شهید شدم یکی از عنایتهای خداوندی است. قبر من در برازجان در بهشت شهیدان باشد و قبر من باید خیلی خیلی ساده باشد فقط عکس امام خمینی و آرم سپاه و عکس خودم باشد دیگر عرضی ندارم.



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوشهر